

مقاله علمی پژوهشی

تحلیل حقوقی عملیات بانکی بدون ربا مطابق موازین اسلامی

علیرضا باریکلو<sup>۱\*</sup>، حسین شهابیان مقدم<sup>۲</sup>

۱. استاد حقوق خصوصی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، پردیس بین‌المللی ارس، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۷)

Legal Analysis of Interest-Free Banking Operations in Accordance with Islamic Standard

Alireza Bariklou<sup>\*1</sup>, Hossein Shahabian Moghadam<sup>2</sup>

1. Professor of Private Law, Farabi Campus of Tehran University, Tehran, Iran

2. Ph.D. Student in Private Law, Aras International Campus of Tehran University, Tehran, Iran

(Received: 17/Jun/2019

Accepted: 25/Feb/2021)

Abstract

In the first paragraph of Article 1 in the Law on Interest-Free Banking (interest), it is one of the main objectives to establish a monetary and credit system based on right and justice (observing Islamic rules) in order to regulate the proper circulation of money and credit for health and economic growth of the country. But despite 40 years of law enforcement, not only have these goals not been achieved, but the gap has also been doubled. Although the banking law has not changed, the regulations and sections related to banking operations are constantly changing and updating, but still banking is still the first economic problem of the country and has not been able to achieve its goals. Therefore, in this article, in a descriptive-analytical method, in accordance with Islamic standards of interest-free banking operations, it was found that contrary to Islamic standards, this law has been emptied of its content by the prevalence of approaches such as maintaining the structure of usury banking system, instrumental attitude to contract, injustice, abusing the customers, and the imposition of interest-free banking operations.

**Keywords:** Profit, Interest, Justice, Procrastination, Contract, Operations.

چکیده

در بند ۱ ماده ۱ قانون بانکداری بدون ربا (بهره) استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور از اهداف اصلی قانون شمرده شده است، اما به‌رغم گذشت ۴۰ سال از اجرای قانون نه تنها این اهداف محقق نشده، بلکه فاصله رسیدن به آن مضاعف شده است؛ هرچند قانون بانکداری تغییر نکرده، ولی آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط به عملیات بانکی به‌طور مداوم در حال تغییر و به‌روزرسانی است، لیکن با این حال هنوز بانکداری به‌عنوان مشکل اول اقتصادی کشور مطرح است و نتوانسته به اهداف خود دست یابد. بنابراین، در این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، مطابق موازین اسلامی عملیات بانکی بانکداری بدون ربا بررسی و مشخص شد که بر خلاف موازین اسلامی، غلبه رویکردهایی مانند حفظ ساختار نظام عملیات بانکی رباخواری، نگرش ابزارری به قرارداد، بی‌عدالتی، اجحاف در حق مشتری و جرمه‌انگاری بر عملیات بانکی بدون ربا، آن را از محتوی تهی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** سود، بهره، عدالت، امهال، قرارداد، عملیات.

## مقدمه

اولین بانک نهادی برآمده از اقتصاد سرمایه‌داری است که متصدی گردش پول در قبال پرداخت بهره کنترل شده است. به عنوان مثال چون در قرون وسطی پول رایج میان همه ملل طلا و نقره بود، به علت مشکلات نگهداری حجم زیادی از طلا و نقره و همچنین با گسترش بی‌سابقه تجارت در مناطق جنوبی اروپا و گوناگونی سکه پولی شهرها و جوامع اروپایی، شغل صراف‌ها رونق زیادی گرفت. (باریکلو، ۱۳۹۰: ۷۷) صراف‌ها علاوه بر تبدیل سکه، اقدام به گرفتن طلا و نقره از پولدارها و پرداخت بهره به آنها و اعطای این طلا و نقره به افراد دیگر و اخذ بهره کردند. واژه بانک نیز از همان زمان به وجود آمد؛ زیرا کلمه بانک از کلمه ایتالیایی بانکو (Banco) یا بنچ (Bench) به معنای نیمکت است که صرافان لمباردی و ونیزی پشت آنها در روزهای ویژه‌ای می‌نشستند و به انجام خدمات صراف‌ها مانند تنزیل و تبدیل پول و سایر معاملات می‌پرداختند. چون مردم همیشه این افراد را در پشت نیمکت‌های خود می‌دیدند، این اصطلاح رواج یافت و به تدریج به سایر زبان‌ها نیز گسترش یافت و در نهایت واژه بانک غالب شد. (فیاض، ۱۳۹۲: ۳۶)

با گذشت زمان دولت‌ها مدیریت و کنترل سیاست‌های بانکی یا پولی را به انحصار درآوردند و بانک‌ها عامل اصلی فعالیت‌های اقتصادی شدند؛ طوری که بانکداری در دنیای امروز جزو واجبات اقتصادی است، به گونه‌ای که اگر کسی تصور کند بدون بانک فعالیت اقتصادی ممکن باشد اشتباه بزرگی مرتکب شده است. بنابراین، بعضی معتقدند: اگر بانک نباشد چرخ‌های اقتصاد به کلی متوقف شده یا حداقل با مشکلات بزرگی مواجه خواهد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) چون بانک‌ها دو نقش عمده سازمان‌دهی نقل و انتقالات و معاملات پولی و تسهیل مبادلات تجاری و بازرگانی و سیاست‌گذاری بازار کلان پولی از طریق افزایش و کاهش حجم پول و هزینه استفاده از آن (تغییرات نرخ بهره) را به عهده دارند. (موسویان، ۱۳۷۹: ۱۲)

به مجموعه این فعالیت‌ها و عملیاتی که توسط بانک‌ها انجام می‌شود، بانکداری اطلاق می‌شود که جذب منابع پولی راكد و تزریق آن به بخش فعال اقتصادی جامعه، هسته اصلی آن را تشکیل می‌دهد. تجهیز منابع پولی بر اساس شیوه معمول غربی آن جذب سپرده‌های بانکی است که شامل سپرده‌های جاری، پس‌انداز و مدت‌دار می‌باشد که به سپرده‌های پس‌انداز و مدت‌دار «بهره» تعلق گرفته و این رویه مغایر با قواعد حقوق

اسلامی حرمت و ممنوعیت ربا است. بنابراین، قانونی تحت عنوان «قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)» در سال ۱۳۶۲ با هدف تحول این روند از بهره‌خواری به سود تصویب شد تا ربا را از سیستم بانکداری جمهوری اسلامی حذف کند. همان‌گونه که از عنوان قانون ظاهر است، هدف اصلی آن حذف بهره از روند گردش پولی کشور بود که آوردن عنوان (بهره) در میان کمانه حکایت از احتساب آن به عنوان ربا و نیز اراده جدی قانونگذار در حذف بهره دارد. به همین دلیل در بند ۱ ماده ۱ این قانون مقرر شده است: «ماده ۱- اهداف نظام بانکی عبارت‌اند از: ۱- استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور». در این ماده استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل، برای تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور به عنوان هدف اصلی توصیف شده است. هر کدام از این واژه‌ها متضمن معانی خاصی است که به آن اشاره می‌شود. استقرار، حکایت از ثبات و دوام سیاست‌های پولی و حق و عدل، متضمن رعایت حقوق مشتریان بانک اعم از سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر و عدل نیز متضمن قرار گرفتن هر چیزی در جای آن است. در این بند استقرار نظام پولی بر مبنای حق و عدل هدفی توصیف شده که هدف کلی‌تر و فراگیرتر از سیستم بانکی است که آن به سلامت و رشد اقتصادی کشور تعبیر شده است.

با این حال سلامت اقتصادی را می‌توان شفافیت، عدم فساد و اختلاس و عناوینی از این قبیل برشمرد که اقتصاد ایران همیشه گرفتار آن بوده و حتی برنامه‌های زیادی که تحت عنوان جراحی اقتصادی انجام شده بیماری آن را عمیق‌تر کرده که این موضوع از موضوع بحث خارج است، ولی تحقق حق و عدل در این مقاله مورد بررسی است که چرا قانونی که برای تحقق حق و عدل اجرایی شد، منجر به ناهقی و بی‌عدالتی گردید؛ طوری که شکاف طبقاتی عمیق و بزرگ که حداقلی به حداکثر ثروت ممکن دست یافته و حداکثر مردمی که هدف این قانون بودند، به فقر و تنگدستی مبتلا شدند گواه بر این ادعا است. فرضیه مقاله بر این مبتنی است که ظاهرنگری و ابزارآنگاری به حقوق موجب این وضعیت است که اگر در این روند تجدید نظر نشود، هرگونه اصلاحات اقتصادی نیز در عمل به اقامه حق و عدل منجر نمی‌شود. بنابراین، در این مقاله عوامل عدم تحقق حق و عدل که از اهداف بانکداری اسلامی بود، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## رویکرد ابزارانگاری

یکی از عوامل مانع تحقق حق و عدل استفاده ابزاری از عقود اسلامی بود. چون در این قانون بدون تغییر ساختار و حتی رویکرد عملیات بانکی، صرفاً بعضی از عقود حقوق اسلامی از قبیل قرض الحسنه، مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف، جعاله و خرید دین جایگزین عقد قرض همراه با بهره شد، ولی در عمل ثابت شد که بانکداری به‌عنوان واسطه سرمایه‌گذاری نمی‌تواند بر منافع ناشی از فعالیت اقتصادی یا بازرگانی مبتنی شود، چون اولاً سود در فعالیت مستقیم تجاری است؛ در حالی که بانک اگر سرمایه‌گذاری کند، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم می‌نماید که شراکت در بنگاه اقتصادی یکی از معضلات نظام بانکی است. ثانیاً بانک چون با دو مشتری سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر طرف رابطه است، نمی‌تواند در ضرر و زیان ناشی از فعالیت اقتصادی شریک شود؛ چون سرمایه‌گذار بانکی بهره سرمایه خود را روزشمار مطالبه می‌نماید و این امر فرصت تحمل ریسک را از بانک سلب می‌کند. به همین دلیل بانک با مشتری سرمایه‌گذار قرارداد سرمایه‌گذاری به وکالت و با مشتری سرمایه‌پذیر قرارداد مضاربه، مشارکت و... منعقد می‌نماید که قراردادهای حقوق اسلامی در هر دو طرف ابزاری است؛ زیرا در رابطه با سرمایه‌گذار بانک به‌عنوان وکیل اسماً عمل می‌کند؛ چون اگر واقعاً وکیل باشد ضمانت از سرمایه و سود معنایی ندارد، بلکه وکیل معامله را برای موکل منعقد و تعهدی به برگشت سرمایه و سود نخواهد داشت؛ درحالی‌که در این قرارداد بانک بهره و اصل سرمایه را تضمین می‌کند. نسبت به سرمایه‌پذیر نیز نمی‌تواند در سمت وکالت ظاهر شود، چون بانکداری عملی تجاری است؛ درحالی‌که وکالت عملی مدنی است. همچنین بانک نمی‌تواند به اقتضای ذات بانکداری و تضمیناتی که به سپرده‌گذاران داده قرارداد واقعی مشارکت در سود در قالب مضاربه یا مشارکت منعقد کند، پس ناچار است قرارداد را به‌طور صوری منعقد نماید. در نتیجه این تغییر راهکار، در عمل نتوانست ماهیت ساختاری عملیات بانکی را متحول کند و با موازین اقتصاد اسلامی منطبق نماید؛ چراکه قانون‌گذار به‌جای تمرکز بر تغییر ماهیت عملیات، بر تغییر روش اخذ بهره تکیه کرد که در نهایت منجر به ادامه و انجام همان عملیات بانک ربوی در پوشش بانکداری بدون ربا شد. این روش علاوه بر اینکه رعایت حق و عدل که به عنوان اهداف در بند ۱ ماده ۱ مطرح شده،

مغایر با حقوق مشتریان بانکی است، چون در جمهوری اسلامی ایران با توجه به اینکه اکثریت جامعه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم خواهان اجرایی شدن قوانین اسلام در ارکان حکومتی شدند که تصویب قانون بانکداری بدون ربا (بهره) در جهت تأمین این مطالبات اجتماعی بوده است. افزون بر مطالبات اجتماعی، مبارزه با ثروت‌های نامشروع مطابق اصل ۴۹ قانون اساسی از وظایف دولت است که بهره‌خواری یکی از موارد آن است، چون در قرآن کریم عناوینی مانند ربا یا قمار یا اکل سحت [حرام‌خواری] ممنوع اعلام‌شده که بعضی فلسفه حرام‌خواری را تأثیر این نوع درآمدها در سوق دادن جامعه به فساد و تبه‌کاری دانسته (طباطبایی، بی‌تا: ۳۱۷/۵) و مصداق بارز سرزنش حرام‌خواری اهل کتاب در آیات ۶۲ و ۶۳ سوره مائده را ربا و رشوه‌خواری عنوان کرده‌اند (همان: ۳۱/۶)، در روایات نیز به بعضی از آثار حرام‌خواری اشاره شده؛ به عنوان مثال از رسول خدا نقل شده کسی که یک لقمه حرامی بخورد، چهل شب نماز او مقبول نمی‌شود و چهل صبح دعای او مستجاب نمی‌شود و هر گوستی که از حرام برآید سزاوار آتش جهنم است (مجلسی دوم، ۱۳۸۸: ۳۱۴/۶۳) یا روایت شده ترک یک لقمه حرام‌خواری دوست‌داشتنی‌تر است به درگاه خداوند از هزار رکعت نماز مستحبی (همان: ۳۷۳/۹۰). بنابراین، در نظریات فقهی حتی چهل موجب مشروعیت حرام‌خواری شمرده نشده، چون حرام‌خواری از طرف جاهل نیز قبیح است. بنابراین، در موارد شک به حرمت احتیاط محبوب است (انصاری، ۱۴۱۵: ۷۴/۱) و فریب دیگران به حرام‌خواری یا به تعبیر دیگر تطهیر حرام‌خواری حرام اعلام شده است. (منتظری، ۱۴۱۵: ۱۹/۲) در این میان حرمت رباخواری دارای آثار مخرب‌تری است، چون آثار آن محدود به طرفین رابطه نیست، بلکه به تمام جامعه سرایت می‌کند. بنابراین، در آیات ۲۷۸ و ۲۷۹ سوره بقره اصرار و ادامه رباخواری جنگ با خدا و محاربه توصیف‌شده و در روایات به‌عنوان بدترین کسب و کارها<sup>۱</sup> که خورنده ربا و دهنده و نویسنده قرارداد و شاهد معامله گناهکار<sup>۲</sup> شمرده شده‌اند و حتی مجازات یک درهم

۱. عنه ص: شر المکاسب کسب الربا.

۲. عن مولانا امیر المؤمنین علیه السلام: اکل الربا و موکله و کاتبه و شاهاده فی الوزر سواء: قال علیه السلام: لعن رسول الله صلی الله علیه و آله الربا و آکله و بائعه و مشتری و کاتبه و شاهدیه.

مدنی قرار گرفته است، اما در بیع شرط چون هدف اصلی آن تطهیر رباخواری بود، در ماده ۴۶۳ مقرر شده است: «اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع حقیقت بیع نبوده است، احکام بیع در آن مجری نخواهد بود». بنابراین، در حقوق ثبت این معامله به عنوان «معامله با حق استرداد» مطرح شد تا از موقعیت اقتصادی طرف فقیر و ناتوان حمایت شود، اما این رویکرد در معاملات پولی در عمل، موجب تحقق عقد صوری شد و در عمل در بانکداری با عدم مشروعیت و حرمت مال ملازمه دارد؛ زیرا در بانکداری غیر اسلامی مشتری به عقد واقعی قرض به شرط بهره می‌گیرد و چنین قراردادی مطابق ادله شرعی معتبر ولی شرط بهره باطل است، ولی در سیستم بانکداری بدون ربا که قرض و وام را به‌عنوان مضاربه، جعاله و ... عنوان می‌کنند و قرارداد به شکل صوری منعقد می‌شود، عقد به علت صوری بودن باطل است و تصرف مشتری در وام، تصرف در مال غیر محسوب شده و نامشروع و حرام خواهد بود. پس انعقاد صوری عقد باعث عدم تأثیر عقد (حرعاملی، ۱۴۱۶: ۱۲، ۲۲۲؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۲۷، ۲۵۶)، ضمان گیرنده (انصاری، ۱۴۱۵: ۱۰۲؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۲۵۹)، حرمت در تصرف (حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۱۶۷؛ نجفی خوانساری، ۱۳۷۳: ۱۱۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۲۰) و وجوب رد فوری مال (خوئی، ۱۳۷۷: ۸۷) است.

به هر حال، یکی از عوامل ناحقی و بی عدالتی در سیستم بانکداری بدون ربا استفاده ابزاری از عقود حقوق اسلامی است که این عقود هیچ اثر و کرابی در حذف بهره یا تبدیل آن به سود مشروع نمی‌تواند داشته باشد.

### بهره‌خواری در پوشش سود

در حقوق اسلامی یکی از شروط اصلی و اساسی مشروعیت سرمایه‌گذاری، لزوم کارکرد سرمایه و تخصیص سود حاصله از گردش آن به سرمایه‌گذار است، برخلاف بانکداری غربی که بهره یا منفعت به‌صرف اعطای سرمایه صرف‌نظر از کارکرد اقتصادی آن تعلق می‌گیرد. بنابراین، در قانون بانکداری بدون ربا عقودى مانند مضاربه، مشارکت و دیگر عقود مشارکتی و مبادله‌ای بر اساس نمونه قراردادهای بانک مرکزی مجاز و عقودى مانند معاملات ربوی از قبیل بیع ربوی، قرض ربوی و معاوضه ربوی ممنوع و نامشروع اعلام شده است. در عقود گروه اول سرمایه کارکرد اقتصادی و ثروت‌افزایی دارد و عواید حاصله به تبع آن به سرمایه‌دار و فعال اقتصادی متعلق است، اما در عقود گروه دوم سرمایه نقش اعطایی و مبادلاتی دارد و

رباخواری بیشتر از ۷۰ زنی با زن شوهردار<sup>۱</sup> در خانه خدا شمرده شده، چون رباخواری مانع احسان<sup>۲</sup> (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۴) و توزیع ثروت است و منجر به فساد در اشخاص فقیر و کم‌بضاعت می‌شود. بنابراین، در این روایت امام به رباخواری بُعد عمومی و اجتماعی می‌دهد برخلاف سایر گناهان که شخصی و در یک رابطه است. پس به تعبیری می‌توان مشروعیت فعالیت اقتصادی و عواید ناشی از آن را به‌عنوان اصول زیربنایی روابط اقتصادی و اجتماعی توصیف کرد که بدون آن، سایر موارد نیز اصلاح نمی‌شود بنا به آیات قرآن کریم و روایات متعدد، مشروعیت فعالیت اقتصادی و درآمد حلال از اصول اولیه اعتقادی مسلمانان است، برای لقمه حرام اثرات متعددی ذکر شده است، چنانکه پیامبر اسلام (ص) بیشترین نگرانی و ترس پس از خود برای امت را درآمد حرام اعلام نموده‌اند: ان اخوف ما اخاف علی امتی من بعدی هذه المكاسب الحرام (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۴) و همچنین برای لقمه حرام اثرات زیادی ذکر شده است که از زندگی شخصی افراد تا روابط اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۵؛ مظاهری، ۱۳۷۸: ۴۳ و ۵۰؛ نراقی، ۱۳۷۵: ۳۱۳) بنابراین، با توجه به حرمت و ممنوعیت ربا به ادله قطعی در اقتصاد اسلامی، هیچ قراردادی نمی‌تواند آن را مشروع یا مباح نماید و سبب مملک و ناقل درآمد حرام به حلال توصیف شود. هرچند در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکداری بدون ربا به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و سیستم بانکداری کشور غیر ربوی اعلام شد، اما به علت رویکرد ابزارانگاری به عقود حقوق اسلامی، در عمل با مشکل نامشروع بودن و شبهه ربوی بودن عملیات بانکی باقی ماند. حتی در برخی از عقود مشارکتی و مبادله‌ای در بسیاری موارد، قراردادهایی که به‌عنوان عقود اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد، موجب تطهیر عمل رباخواری در سطح جامعه و نیز آمیخته شدن حقوق مالی شهروندان به حرام شده است. هر چند رویکرد ابزارانگاری به عقد با ربا ملازمه ندارد، در بیع شرط و صلح در مقام معاملات مانند مواد ۷۵۸-۷۵۹-۷۶۰ مورد پذیرش نویسندگان قانون

۱. عن مولانا الصادق علیه السلام: درهم ربا أعظم عند الله من سبعین زنیة کلها بذات محرم فی بیت الله الحرام.

۲. عن أبي عبد الله ع قال: إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا لِكَيْلَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنِّي رَأَيْتُ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ ذَكَرَ الرَّبَا فِي غَيْرِ آيَةٍ وَ كَرَّرَهُ فَقَالَ أَوْ تَدْرِي لِمَ ذَاكَ قُلْتُ نَأْ قَالَ لَيْتَا يَمْتَنِعَ النَّاسُ مِنَ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.

شود؛ چراکه اگر ربای معاملی حرام نباشد و فقط ربای قرضی حرام باشد، حیل‌هایی که در جهت فرار از ربا صورت می‌گیرد، رواج می‌گیرد (مطهری، ۱۳۹۵: ۲۹۴) به هر حال در مبادلات بانکی ربای قرضی مبتلا به می‌باشد. قرض عبارت از تملیک مال به دیگری به شرط ضمان مثل می‌باشد؛ بدین صورت که قرض‌کننده متعهد می‌شود که مثل و یا قیمت آن را بپردازد. (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۶۵۱) با توجه به اینکه یکی از اهداف اقتصادی اسلام توزیع ثروت در جهت رفع نیاز نیازمندان است، از سوی دیگر، در آیات قرآن و روایات زیادی انعقاد قرض، عملی بسیار مستحب و ممدوح توصیف شده، چنانکه در آیات متعدد از عقد قرض، به قرض دادن به خداوند تعبیر و خدا مقرر شده است. مثلاً در آیه ۲۰ سوره مزمل خطاب شده است: «واقیمو الصلوه و اتو الزکوه و اقرضوا الله قرضاً حسناً». از این رو استحباب قرض، اجماعی و بلکه از ضروریات توصیف شده است. (حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۳۱) از سوی دیگر مقرر شده که اگر شرط شود هنگام بازپرداخت بدهی، مقداری به مبلغ اصل قرض افزوده شود، به اجماع علمای اسلام، قرض الحسنه تبدیل به قرض ربوی شده و ربا و حرام می‌شود (بحرانی، ۱۳۶۴: ۱۱۰)، چون با تملیک سرمایه یا وام مدیون مالک آن می‌شود و در صورتی که تولید ثروت و یا سودی محقق شود، به استناد قاعده تبعیت متعلق به مالک سرمایه یا مدیون است. در حالی که در بانکداری بدون ربا در مواردی مانند نیازهای شخصی اولاً سودی محقق نمی‌شود، ثانیاً معمولاً نرخ تسهیلات توسط بانک مرکزی با توجه به نرخ تورم و بخش اقتصادی تعیین می‌گردد؛ مثلاً نرخ بخش کشاورزی ارزان‌تر از نرخ بخش بازرگانی است. همچنین در روابط بانک و مقترض یا اعتبارگیرنده واقعیت و عواید یا سود فعالیت اقتصادی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه صرف توافق طرفین که فلان مبلغ پول و سود آن مورد توجه است، لذا اگر مشتری ورشکسته شود یا سرمایه او به تاراج رود، باید سرمایه و بهره مورد توافق را به بانک باز پرداخت کند. این مدل بانکداری با مدل بانکداری ربوی هیچ فرقی ندارد؛ چنانچه در بانکداری بدون ربا هم سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر با مشکل عدم مشروعیت در بعضی قراردادها مواجه شوند، انتظار شهروندان برآورده نشده و باعث سلب اعتماد آنان خواهد شد، هر چند بعضی (صدر، ۱۳۵۷: ۶۰) در نظریه‌پردازی بانکداری اسلامی روش‌های جایگزین عملیات بانکی ربوی با استفاده از موازین فقهی ارائه کرده تا از سویی در عملیات بانکی، رباخواری محقق نشود و از سوی دیگر جذابیت سیستم بانکداری ربوی را برای

صرف‌نظر از کارکرد اقتصادی آن، به توافق طرفین رابطه حقوقی، منفعت به آن تعلق گرفته که در ادبیات عامه بهره و در ادبیات فقهی به آن ربا اطلاق شده و حرمت ربا از مسلمات حقوق اقتصاد اسلامی است، چون در قرآن کریم ۱۲ آیه در مورد حرمت ربا آمده که لحن بیان آن نشان می‌دهد که از دیگر گناهان کبیره شدیدتر است. بنابراین، حرمت ربا اصلی بدیهی است و خداوند متعال رباخواری را در حکم اعلان جنگ با خود شمرده است. (بقره، ۲، ۲۷۸ و ۲۷۹)

به همین دلیل بعضی حرمت ربا را از ضروریات توصیف کرده و معتقدند ربا به استناد کتاب و سنت و اجماع اهل اسلام و مسلمین حرام است. بعید نیست حرمت ربا از ضروریات دین باشد که مشروع و حلال شمارنده آن داخل در ردیف کافران قرار گیرد. (نجفی، ۱۳۶۲: ۳۲۲؛ بهبهانی، ۱۴۱۹: ۱۴۲ به بعد) فقهای اهل سنت نیز بر حرمت ربا اجماع دارند و معتقدند ربا در لغت به معنای زیادی است که به استناد کتاب و سنت و اجماع حرام است و کل امت اسلام بر حرمت ربا اجماع دارند. (ابن قدامه، ۱۹۶۸: ۱۳۳) به تبعیت از این نظریات در قانون مجازات اسلامی، رباخواری جرم‌انگاری شده و در ماده ۵۹۵ مقرر شده است: «هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع، قرض، صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زائد بر مبلغ پرداختی، دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می‌شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده، رباگیرنده، و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به‌عنوان جزای نقدی محکوم می‌گردد...».

اما از حیث عملکرد باید دید سیستم بانکداری بدون ربا موجب حذف بهره شد یا آن را در نگاه شهروندان مشروع وانمود کرد. برای بررسی این موضوع با توجه به تنوع بسیار معاملات و خیلی که برای دور زدن ربا استفاده می‌شود، به ناچار به مواردی اشاره می‌شود. رباخواری در دو نوع رابطه معاملی و قرضی قابل تحقق است. ربای معاملی به «هر نوع زیادتی اطلاق شده که در مبادله دو کالای همجنس محقق گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۴۱۸)، اما ربای قرضی به زیادتی اطلاق شده که به موجب توافق طرفین در قبال اعطای وجه نقد یا پول رایج به سرمایه‌گذار اختصاص یافته است. ربای معاملی از بحث خارج است، هر چند بعضی حرمت ربای معاملی را حرمی برای ربای قرضی توصیف کرده و معتقدند این معامله به این دلیل حرام شده که جلوی ربای قرضی گرفته

بعضی دیگر نیز هشدار داده‌اند: «بانک‌هایی که اقدامات و فعالیت‌های آن ربوی و یا بر اساس ظاهر اسلامی (عقود اسلامی همانند مضاربه و جعاله و ...) و در واقع ربوی است (صورت‌سازی، فاکتورسازی ...)، چنین اقدامات و فعالیت‌هایی مستنداً به حدیث شریف: ان الله تعالی اذا حرم شیئاً حرم ثمنه، حرام و حقوق و وجوهی که در برابر این کار انجام می‌شود نیز حرام است. ([www.khabaronline.ir/news/523983](http://www.khabaronline.ir/news/523983)/آرای فقهی آیت‌الله جوادی آملی در باب نظام بانکداری اسلامی) حتی بعضی معتقدند عملیات بانکی با مقتضای عقود مشارکتی منافات دارد و در واقع از حیل ربا یا خود ربا خواهد بود. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۶: ۱۲)

این دیدگاه‌ها بیانگر چالش‌های جدی است که در سیستم بانکی کشور وجود دارد، چون با تغییر اسم بهره به سود، موضوع عوض نمی‌شود و حکم آن نیز تغییر نمی‌کند. بنابراین، در حقوق اسلامی حرمت دریافت و یا پرداخت در قبال زمان اعم از دیرکرد یا فایده یا بهره از مسلمات است. (همان: ۶۲) علاوه بر این، با توجه به اینکه بنگاهداری توسط بانک‌ها مورد انتقاد مسئولان اقتصادی و پولی کشور قرار گرفته و وفق بند (ب) ماده (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی و شرکت‌های تابعه آنها موظف بوده‌اند ظرف ۳ سال از زمان لازم‌الاجرا شدن قانون مذکور (مرداد ۱۳۹۷) سهام تحت تملک خود و شرکت‌های تابعه بالای ۵۰ درصد سهام را به بنگاه‌های غیر بانکی واگذار کنند. همچنین وفق دستورالعمل سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار، بخشنامه شماره ۹۶/۶۱۲۷۷/۹۶ مورخ ۹۶/۳/۱ بانک‌ها باید تمامی سهام در اختیار خود در بنگاه‌های اقتصادی را از طریق بورس برای واگذاری عرضه کنند. در حالی که در حال حاضر سهم بنگاهداری بانک‌ها به بالای ۵۰٪ منابع آنها افزایش یافته است که قدرت نقدینگی بانک‌ها و نیز قدرت تسهیلات‌دهی آنها را نیز کاهش داده و کارایی بانک را به شدت پایین آورده است. (مصباحی مقدم، ۱۳۹۷: ۱۳۴) پس بانکداری در قالب عقود مشارکتی هم بر فرض التزام بانک‌ها به آن، باعث بنگاهداری می‌شود که مورد حمایت سیاست‌گذاران مالی و پولی کشور نیست و رویه بانکداری بدون ربا را با چالش حقوقی دیگری مواجه می‌کند. بنابراین، با توجه به احتساب بهره قبل از اعطای تسهیلات و استفاده ابزار از عقود، عملاً بهره‌خواری تطهیر شده که این موجب تضییع حقوق شهروندان در دسترسی به درآمد حلال شده است؛ زیرا در بانکداری ربوی، روابط طرفین بر عقد قرض

سرمایه‌گذار داشته باشد، اما چون در نظام اسلامی، عدالت اقتصادی و حمایت از حقوق کلیه فعالان اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد و همچنین با توجه به اینکه تمام اجزای اقتصادی جامعه با یکدیگر در ارتباط هستند و هر بخش زمینه موفقیت بخش دیگری است، در تحریم ربا، ریسک بیشتر به بانک وارد می‌شود. (همان: ۱۳) مطابق این ایده، در مواد ۷ الی ۱۷ قانون عملیات بانکداری بدون ربا مصوب ۱۳۶۲ روش بانکداری بدون ربا مطرح شد و بانک‌ها ملزم شدند در قالب عقود از قراردادهای عقود اسلامی عملیات بانکی انجام دهند، اما در عمل بانک‌ها به‌ظاهر و صورت این معاملات اکتفا کرده و همان رویه بانکداری را در قالب جدید ادامه دادند. از این رو بعضی بر غیرقابل عملیاتی بودن این روش اعتراف کرده و معتقدند با وجود استفاده از عقود اسلامی در شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع بانکی، بررسی عملکرد چندساله نظام بانکی نشان می‌دهد که جهت‌گیری نظام بانکی به سمت حاکمیت رویه رباخواری و بازگشت به بانکداری ربوی است. (موسویان، ۱۳۷۹: ۸۲)

علاوه بر این، این روش وقتی عملیاتی شد مشکلات خود را بروز داد؛ چراکه بانک‌ها و مؤسسات مالی به‌عنوان یک‌نهاد پولی و تجاری با سهامداران خاص و عملکرد و برنامه از پیش تعیین شده با مجموعه قراردادهایی مواجه شده‌اند که فاقد امکان و زمینه اجرایی در رویه بانکداری بود. پس بنابراین، شرط و شروطی را به قراردادهای افزودند تا منافع مسلم، نه احتمالی ناشی از عملیات موضوعی عقود را تضمین نمایند و در نهایت ساختار ربوی قبلی را با ظاهری مشروع و پوششی قانونی حفظ کردند که مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفت. به‌عنوان نمونه بعضی هشدار داده‌اند تا تحوّل بنیادین در وضع بانک‌ها و چگونگی فعالیت‌های آنها پیدا نشود، روح اسلامی بر آن حاکم نخواهد بود، هر چند نام سیستم بانک بدون ربا یا بانک اسلامی را به خود اختصاص دهند و سرانجام پیامدهای زیانبار بانک‌های رباخوار دامان همه را می‌گیرد.<sup>۱</sup> (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)

۱. «أنه لو ما لم يحدث تحول جذري و أساسی فی البنوک فی الدوله الإسلامیه و فعالیتاتها و نشاطاتها الاقتصادیه فإنها لا تعیش بروح إسلامیه، حتی لو سمیت بنوک لا ربویه، و بالتالی یترتب علی ذلک الإضرار التی تلحق بالبنوک الربویه، و تبلی بالإخطار التی یبتلی بها عادةً تلک البنوک الربویه السائده».

عملیات بانکی است؛ مواردی مانند تحمیلی بودن قرارداد، غیرمنصفانه بودن آن و تفسیر یک طرف از قرارداد از نمونه‌های بارز اجحاف‌گرایی است. این در حالی است که تأمین عدالت یکی از اهداف اصلی حقوق اسلامی و قانون عملیات بانکی بدون ربا است و برخلاف آنچه در عرف رایج است که همه منتظر عدالت‌گستری دیگران هستند، در ادله اسلامی هر شخصی مأمور به اقامه عدالت شده است. به عنوان مثال در قرآن کریم به این هدف مهم تصریح و در آن مردم به اقامه عدل و احسان امر شده‌اند (نحل: ۹۰)، از این دستور استفاده می‌شود که عدل مهم‌تر از احسان است؛ زیرا اگر عدالت محقق نشود احسان و گذشت نیز منجر به فساد و تباهی می‌شود. بنابراین، عدالت به‌عنوان ضرورتی است که در هر جامعه باید تأمین شود، چون فقدان آن مساوی با جور و ستم است که در چنین وضعیتی احسان معنایی نخواهد داشت و اینکه احسان و بخشش در سایه رعایت عدالت قابل تحقق است و در این آیه اقامه عدالت مقدم بر احسان مقرر شده که از حیث عقلی نیز مقدم است.

در آیه دیگر (حدید ۲۵) هدف ارسال رسل و انزال کتب و معیار و میزان، برپایی قسط توسط مردم توصیف شده که از این آیه نیز دو نکته اساسی قابل استفاده است. نخست اینکه عدالت به عنوان یک هدف اساسی و بنیادین است که در هیچ شرایطی نباید از آن غفلت شود یا در تأمین آن کوتاهی شود. بنابراین، در روایات وارد است که حکومت با کفر دوام دارد، ولی با ظلم بقایی نخواهد داشت. پس اگر هدف اصلی حکومت دینی برپایی عدالت شمرده شود، چندان دور از واقع نیست. دوم اینکه مردم پرچمداران عدالت‌طلبی و تأمین‌کنندگان آن هستند. در آیه شریفه انزال کتب و ارسال رسل به‌عنوان زمینه‌سازی برای مشارکت مردم در تحقق عدالت توصیف شده است که واضح است این مهم از طریق قرارداد ممکن است. بنابراین، قراردادها باید به‌عنوان رایج‌ترین اسباب تملیک و تملک و از مهم‌ترین ابزار توزیع ثروت در جامعه، در تحقق عدالت نقش اساسی داشته باشد. از این منظر قراردادها در سیستم بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اقتصادی از جنبه عدالت معاملی یا معاوضی، می‌تواند تأثیر بسزایی در اقامه قسط و عدل در جامعه داشته باشد، اما از آنجا که در قراردادهای بانکی، بانک عهده‌دار تهیه و تنظیم قرارداد است، طوری این قراردادها تنظیم می‌شود که فقط منافع یک‌طرفه بانک تضمین شود و منافع مشتری چندان مورد توجه قرار نگیرد. تنظیم یک‌طرفه قرارداد که به عقود

به شرط پرداخت بهره است که وفق نظرات فقهی تنها شرط بهره باطل ولی اصل قرض باطل نیست. (امام خمینی، ۱۳۷۹: مسئله ۱۳) در نتیجه وام‌گیرنده مالک اصل سرمایه می‌شود و تصرفات او در آن، مشروع و حلال است، درحالی که در رویکرد ابزاری اصل قرارداد باطل است و مصداق کامل اکل مال به باطل شده، چنانکه وفق ماده ۳۶۶ قانون مدنی در مقبوض به عقد فاسد، تصرف حرام و متصرف ضامن عین و منافع است و این امر در رضایت طرفین در قرارداد ربوی و صوری که منشأ بطلان آن امر شارع است، اثری ندارد؛ زیرا وقتی مشتری فقط برای دریافت تسهیلات اقدام به امضای قرارداد و بانک نیز فقط در جهت تحقق سود موردنظر اقدام کند، محرز و مشخص است که عنوان قرارداد و اوراقی که به‌عنوان قرارداد توسط طرفین امضا می‌شود، فقط جنبه شکلی و صوری داشته است و چنین قراردادی محکوم به بطلان می‌باشد. (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۹) همچنین طولانی شدن فرایند پرداخت تسهیلات از سوی بانک‌ها به دلیل وجود برخی الزامات غیرضروری، مشکلات مربوط به ساختارها و رویه‌های لازم در زمینه بانکداری اسلامی (مانند استانداردهای حسابداری، قواعد حاکمیت شرکتی و ...)، عدم تقارن اطلاعات بین طرفین قرارداد، کمبود تنوع در ابزارها و شیوه‌های تأمین مالی و محدودیت دسترسی به منابع مالی (حقیقی، ۱۳۹۱: ۶۳)، باعث شده طبق آمارهای متفاوت ارائه‌شده بیش از ۷۰ تا ۹۰ درصد قراردادهای مشارکتی بانکی به‌صورت صوری باشد. (شهنازی و پناهی، ۱۳۹۵: ۱۸۵) در نتیجه، با توجه به اثر وضعی منفی خوردن مال حرام بر تربیت و اصلاح افراد، جامعه موردنظر اسلام که جامعه‌ای بر مبنای تقوا و اخلاق است شکل نمی‌گیرد. بنابراین، یکی از عوامل کم‌رنگ شدن اخلاق و ازدیاد جرائم در سطح جامعه، اعمال سیاست‌های بانکی با توجه به شبهات ربوی موجود در آن است. بنابراین، تحمیل ساختار بانکداری ربوی با ابزار عقود اسلامی نه تنها موجب مشروعیت و سلامت سیستم نمی‌شود، بلکه حرام‌خواری را به تمام ابعاد اجتماعی توسعه داده است که این عمل در حقوق موضوعه معاصر تحت عنوان «پولشویی» جرم‌انگاری شده است. بنابراین، برای اصلاح سایر بخش‌های جامعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و حتی عبادی، ضروری است که این روش مورد اصلاح قرار گیرد.

### اجحاف‌گرایی

یکی دیگر از عوامل عدم تحقق حق و عدل اجحاف‌گرایی و عدم رعایت حقوق مشتری اعم از سرمایه‌گذار و سرمایه‌پذیر در

این مقررات بدون در نظر گرفتن شکل یا حمایت و پشتیبانی آن در مورد تمام قراردادهای قابل اعمال است. این امر به ویژه در مورد سفارشات خرید، فاکتورها، کوپن‌های ضمانت‌نامه، اسناد انبار و تحویل یا یادداشت‌های تحویل، بلیط‌ها، بلیط‌های حاوی شرط یا ارجاع به شرایط عمومی از پیش تعیین شده صورت می‌گیرد.

احکام فوق به منظور ارائه اطلاعات به پیمانکار غیرحرفه‌ای یا مصرف‌کننده، ارائه اسناد تأیید قراردادهای با توجه به قراردادهای ذکر شده در بند اول، می‌تواند مورد استناد قرار داده شود.<sup>۳</sup> اما در حقوق ایران نه تنها در حوزه بانکداری چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد، بلکه برعکس آیین‌نامه قانون بانکداری بدون ربا کاملاً طرفدارانه به نفع بانک عملی شده است. به عنوان مثال در ماده ۱۲ قانون بانکداری بدون ربا مقرر شده: «بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعتی و معدنی، اموال منقول و غیر منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر انجام اجاره به شرط تملیک و استفاده خود، خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک به مشتری واگذار نمایند». از این ماده ظاهر است که با انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، مشتری مالک عین مورد معامله می‌شود، چون اطلاق

تحمیلی نیز رایج است، تحقق عدالت معاملی یا معاوضی در قراردادهای بانکی را با چالش مواجه کرده است؛ زیرا از سویی در قراردادهای بانکی، بانک که تهیه و تنظیم قرارداد را به عهده دارد، دارای قدرت برتر و گاه انحصاری است که مفاد و شروط قرارداد را تهیه و پیشنهاد می‌کند و طرف ضعیف‌تر به دلیل احتیاج و ضرورت مجبور به پذیرش تمام شروط پیشنهادی می‌شود. این نوع قراردادهای معمولاً حاوی شروط تفصیلی زیادی هستند که اکثر آنها به نفع بانک و برخی نیز نسبت به مشتری اجحافی و ظالمانه هستند. در این نوع قراردادهای که به قراردادهای الحاقی، تیپ و یا استاندارد تعبیر می‌شود، چون جای هیچ مذاکره درباره شروط وجود ندارد و شروط ممکن است مسئولیت طرف قوی قرارداد را کاهش داده یا از بین ببرد و در مقابل مسئولیت طرف ضعیف را افزایش و حتی برای تخلف احتمالی ناچیز او مجازات سنگینی تعیین کند. در اکثر کشورها محدودیت و ممنوعیت‌هایی برای بعضی از شروط با هدف حمایت از موضع طرف ضعیف‌تر قرارداد تصویب شده است؛ برای مثال در حقوق فرانسه قانونی به شماره ۷۸-۲۳ با عنوان «حمایت و اطلاعات مصرف‌کنندگان محصولات و خدمات»<sup>۱</sup> در ۱۰ ژانویه ۱۹۸۷ تصویب و در ماده ۳۵ به عنوان «حمایت از مصرف‌کننده در برابر شروط ناعادلانه و سوءاستفاده‌ای»<sup>۲</sup> مقرر شده: «در قراردادهای حرفه‌گران با افراد غیرحرفه‌ای یا مصرف‌کنندگان، توسط احکام شورای ایالتی، پس از اظهار نظر کمیسیون ماده ۳۶، ممکن است شروطی ممنوع، محدود و تعدیل شود. احتمالاً با توجه به ماهیت کالاها و خدمات مربوطه، شروط و بندهای مربوط به ماهیت تعیین شده یا قیمت قابل تعیین و همچنین پرداخت، زمان پرداخت، ثبات و عدم تغییر ماهیت شیء یا تسلیم آن، انتقال ریسک و ضمان معاوضی، قلمرو مسئولیت‌ها و ضمانت‌ها، شرایط اجرایی، فسخ، اقاله یا تمدید توافق‌نامه‌ها، هنگامی که چنین شروط و بندهایی به دلیل سوءاستفاده از قدرت اقتصادی طرف مقابل بر افراد غیرحرفه یا مصرف‌کننده تحمیل شود و به طرف متخصص امتیاز گزافه و بیش از حد تعلق گیرد. چنین شرایط ناعادلانه‌ای که در مخالفت با مقررات فوق شرط شود، نانوشته تلقی می‌شوند.

3. "Dans les contrats conclus entre professionnels et non-professionnels, ou consommateurs, peuvent être interdites, limitées ou réglementées, par des décrets en Conseil d'Etat pris après avis de la commission instituée par l'article 36, en distinguant éventuellement selon la nature des biens et des services concernés, les clauses relatives au caractère déterminé ou déterminable du prix ainsi qu'à son versement, à la consistance de la chose ou à sa livraison, à la charge des risques, à l'étendue des responsabilités et garanties, aux conditions d'exécution, de résiliation, résolution ou reconduction des conventions, lorsque de telles clauses apparaissent imposées aux non professionnels ou consommateurs par un abus de la puissance économique de l'autre partie et confèrent à cette dernière un avantage excessif. De telles clauses abusives, stipulées en contradiction avec les dispositions qui précèdent, sont réputées non écrites.

Ces dispositions sont applicables aux contrats quels que soient leur forme ou leur support. Il en est ainsi notamment des bons de commande, factures, bons de garantie, bordereaux ou bons de livraison, billets, tickets contenant des stipulations ou des références à des conditions générales préétablies. Les décrets ci-dessus peuvent, en vue d'assurer l'information du contractant non-professionnel ou consommateur, réglementer la présentation des écrits constatant les contrats visés au premier alinéa."

1. "la protection et l'information des consommateurs de produits et de services"

2. "De la protection des consommateurs contre les clauses abusives."



تفلیس و خیار تعذر را مطرح کرده (باریکلو، ۱۳۸۲: ۴۳) تا رفع اجحاف شود.

بنابراین مطابق معیارهای حقوق اسلامی که در بند ۱ ماده ۱ قانون عملیات بانکی منوط به رعایت آن شده، به خصوص لا ضرر و نفی حرج و عموماً وجوب عدالت، مشروعیت این گونه قراردادهای بانکی مورد تردید جدی قرار دارد. همچنین از حیث تأمین عدالت معاوضی مطابق موازین اسلامی طوری منافع شهروندان نادیده گرفته شده که گویی قرارداد بین دو طرف متخاصم غالب و مغلوب منعقد شده است. علت این امر تنظیم آیین‌نامه قانون بانکداری بدون ربا به طور یک طرف و جانبدارانه توسط متصدیان بانکی است که تمام هدف و روح آن حمایت از بانک است.

بُعد دیگر اجحاف‌گرایی در قراردادهای بانکی، عدم توجه به فورس ماژور و حوادث ناخواسته است. چون در یک رابطه قراردادی میان مدت، اصولاً ممکن است حوادث قهری و یا غیرمترقبه اتفاق و رخ دهد؛ طوری که بازپرداخت سود و سرمایه بانک را با مشکل مواجه کند. در این موارد باید از مشتری حمایت شود، به‌عنوان مثال، مطابق ماده ۲۲۹ ق.م.ا. اگر حادث قهری مانع اجرای تعهد متعهد شود، او مسئولیت قراردادی نخواهد داشت و محکوم به پرداخت خسارت نخواهد شد، درحالی‌که در قراردادهای بانکی چون مبتنی بر بهره است - در قراردادهای متحدالشکلی که بر اساس تبصره ذیل ماده ۲۳، قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶، توسط بانک مرکزی تنظیم و به تأیید شورای پول و اعتبار رسیده است، در بعضی عقود موادی وجود دارد که کاملاً یک‌طرفه است، چنانکه وفق تبصره ماده ۵ قرارداد متحدالشکل جعله قید شده که در صورت بروز هر مانعی، جاعل موظف به رفع مضایق و موانع بوده و در صورت عدم رفع و متعذر بودن ادامه عملیات، جاعل موظف است علاوه بر عودت اصل مبلغ اعطایی، جعل بانک را متناسب با کار انجام شده پرداخت نماید و همچنین جاعل حق هرگونه اعتراضی را از خود سلب می‌نماید. در این نوع قرارداد، به نتیجه فعالیت مشتری و نیز وقوع یا عدم وقوع حوادث قهری توجهی نشده چون بانک اصل پول و بهره آن را از مشتری یا ضامنین او مطالبه می‌نماید، در حالی که به استناد آیه ۲۸۰ سوره بقره مطالبه طلب از معسر و فقیر به اتفاق تمام فرق اسلامی حرام است.

همچنین یکی دیگر از مواردی که در بانک‌های اسلامی اکثر کشورها قابل مشاهده است، اجحاف در گرفتن وثیقه و ضمانت است. (القری بن عید، ۱۳۸۴: ۱۶۴) این امر امکان

«واگذاری» ظاهر در انتقال عین است مگر خلاف آن تصریح شود، ولی در آیین‌نامه پیشنهادی وزارت امور اقتصادی و دارایی که در تاریخ ۱۳۶۲/۱۰/۱۴ به تصویب هیأت وزیران رسیده و در قرارداد نمونه اجاره به شرط تملیک بانک مرکزی اجرایی شده، این قرارداد اجاره توصیف شده، چون در ماده ۵۷ آیین‌نامه مقرر است: «اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که در آن شرط شود مستأجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد». با این حال مطابق ماده ۶۲ مال‌الاجاره با در نظر گرفتن هزینه تمام شده به اضافه سود مناسب تعیین می‌شود. در این ماده مقرر است: «میزان مال‌الاجاره در مورد اموال خریداری و یا واحدهای مسکونی احداث شده موضوع ماده ۱۳ با در نظر گرفتن قیمت تمام شده، مدت اجاره به شرط تملیک و سود مناسب برای بانک تعیین می‌گردد. در احتساب سود، پیش دریافت موضوع ماده ۶۶ ملحوظ خواهد شد». در حالی که همان گونه که در مواد ۳۳۸ و ۴۶۶ ق.م. مشخص است، اجاره عقدی است که منفعت را در قبال اجاره‌بها (باریکلو، ۱۳۹۴: ۲۹۳) و بیع عقدی است که عین را در قبال ثمن تملیک می‌کند. افزون بر این، «مطابق ماده ۶۳ آیین‌نامه حداقل باید ۲۰٪ عوض پیش دریافت شود و مطابق ماده ۶۴ آن اگر مشتری بانک به تمام شروط عمل کند، مالک عین می‌شود. در این ماده مقرر شده است: در قرارداد اجاره به شرط تملیک باید شرط شود که در پایان مدت اجاره و پس از پرداخت آخرین قسط مال‌الاجاره در صورتی که کلیه تعهدات مستأجر طبق قرارداد انجام شده باشد، عین مستأجره در ملکیت مستأجر درآید».

بنابراین، در سیستم عملیات بانکی بدون ربا نه تنها در مورد تأمین عدالت اقدامی نشده، بلکه در جهت خلاف به مشتری اجحاف شده که این روش در موردی که مشتری برای تأمین نیازهای ضروری زندگی احتیاج فوری به گرفتن تسهیلات دارد، اجحاف و ظلم آن بیشتر نمایان است؛ چون شرایط به گونه‌ای اجحافی است که از یک طرف فقط بهره‌برداری می‌شود. در این گونه موارد مطابق موازین حقوق اسلامی باید نسبت به از بین رفتن حق اولیه شهروندی مشتری حمایت شود. بنابراین، برخی از حقوقدانان سوءاستفاده از وضعیت اضطرار را به اکراه توصیف کرده و این معاملات را غیر نافذ دانسته‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۵۰۰ به بعد؛ شهید ثانی، ۱۳۷۶: ۲۹۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۱، ۲۶۳؛ عبدی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۰۲ و ۱۰۸) بعضی نیز به استناد عدم تحقق عدالت معاوضی نظریه حق فسخ یا خیار

متأخر وی به واسطه سوء نیت خود خسارتی مستقل از تأخیر به او وارد کرده، می‌تواند خسارتی جدا از سود نکول دریافت کند».

در این ماده نیز اولاً خسارت تأخیر تأدیه معادل بهره قانونی فرض شده، چون اگر پول به بانک پرداخت می‌شد، بانک با همان بهره می‌توانست وام مجدد دهد، ولی استحقاق طلبکار به فرستادن اظهارنامه رسمی مطالبه مشروط شده است. ثانیاً در صورت سوءنیت بدهکار در تأخیر طلبکار مستحق مطالبه زیان واقعی وارده در تأخیر تأدیه شده است. در حالی که مطابق موازین حقوق اسلامی جریمه دیرکرد نامشروع است و بر فرض مشروعیت باید در میزان و نحوه مطالبه آن مانند حقوق فرانسسه مشروط به شرایطی شود تا عدالت قراردادی تأمین شود.

بنابراین، با توجه به اینکه در نظام بانکداری نرخ بهره مسقف و محدود است و بانک‌ها بالاتر از آن نباید بهره بگیرند که اصطلاحاً نرخ بهره نامیده می‌شود، درج شرط جریمه دیرکرد که در صورت عدم پرداخت در سررسید به هر دلیل ممکن، مبلغ جریمه دیرکرد مندرج باید مضاف بر اصل وام و بهره آن پرداخت شود، نوعی دیگر از نقض حقوق شهروندی و تطهیر رباخواری است، چون در صورت عدم پرداخت در سررسید، زمان به عنوان عاملی از سود، موجب افزایش مبلغ مورد مطالبه بانک می‌شود. مثلاً در قراردادهای با سود ۱۵٪ چنانچه در سررسید پرداخت نشود، جریمه ۶٪ نیز اضافه شده و با سود ۲۱٪ مورد محاسبه قرار خواهد گرفت، چنان‌که مواردی بوده که مبلغ به ده‌ها برابر اصل وام بالغ شده است. بنابراین، درج شرط جریمه موجب می‌شود که از سویی بانک‌ها به طور غیرمستقیم از مقررات نرخ بهره تخلف کنند و از سوی دیگر، به حقوق شهروندان تعرض نمایند. بانک‌ها این شرط را به نحو نتیجه درج می‌کنند که صرف عدم تأدیه موجب تعلق جریمه به مشتری می‌شود، اعم از اینکه مشتری تخلف کرده یا نکرده باشد. بنابراین، این شرط به خصوص در مواردی که شهروندان تمکن مالی ندارد یا حادثه قهری از او سلب تمکن کرده، موجب ستم و ظلم بر او می‌شود، در حالی که مطابق قواعد حقوقی باید به چنین شهروندی استمهال پرداخت اصل طلب داده شود، نه اینکه جریمه دیرکرد نیز بر او تحمیل شود. بنابراین، در موارد متعددی مراجع عظام جریمه دیرکرد را حرام اعلام کرده‌اند. (موسویان، ۱۳۸۹)

با این حال بانک‌ها به بهانه وادار کردن مشتری به پرداخت وام در سررسید توافقی و حل مشکل عدم بازپرداخت بدهی

استفاده از تأمین مالی را محدود به گروه ثروتمندان می‌کند؛ زیرا آنان توانایی ارائه ضمانت‌های ممتاز و وثیقه‌های سنگین را دارند و این از خطرهای بزرگ است، چون به گردش انحصاری ثروت در گروه ثروتمندان منتهی شده و مردم عادی و فقیر جامعه از آن محروم می‌شوند.

بنابراین، اجحاف‌گرایی قراردادی بانکی با توجه به جانبداری یک‌طرفه آن از بانک در دو مرحله تأمین منافع و بروز موانع قهری در اجرای قرارداد و عدم توانایی استناد به آن و افراط در گرفتن وثیقه و ضمانت از موانع تحقق حق و عدل در سیستم بانکی بدون ربا مطابق با موازین اسلامی بوده است.

### رویکرد جریمه‌ای

رویکرد جریمه‌ای یکی دیگر از موارد انحرافی عملیات بانکی بدون ربا در موازین اسلامی است، چون بانک‌ها با درج شرط جریمه دیرکرد در قرارداد به نوعی رباخواری مضاعف بر نرخ بهره کرده و حقوق مردم را نقض و در مواردی آنان را در شرایط اضطراری قرار می‌دهند. به عنوان مثال در حقوق فرانسه که جریمه دیرکرد از آن وارد ادبیات حقوق ایران شده در ماده ۱۲۳۱-۵ مقرر شده «وقتی در قرارداد شرط شده باشد که اگر متعهد آن را انجام ندهد، باید مبلغ معینی به عنوان خسارت پرداخت کند، نباید مبلغ کم یا زیادتری به طرف دیگر داد. با این وجود، قاضی می‌تواند مجازات بدین ترتیب توافق شده را تعدیل یا افزایش دهد، در صورتی که این مجازات آشکارا بیش از حد فاحش یا تحقیرآمیز باشد.

وقتی تعهد تا حدی اجرا شده باشد، مجازات توافق شده ممکن است توسط قاضی، حتی به صورت رسمی، متناسب با منافی که از اجرای جزئی برای بستانکار فراهم شده، کاهش یابد، بدون اینکه اعمال این مورد تخطی از پاراگراف قبلی شود... هر شرط مخالف با دو پاراگراف قبلی نانوشته در نظر گرفته می‌شود». در این ماده قانونگذار فرانسوی تلاش کرده به تعبیری عدالت کیفری را تأمین کند؛ طوری که مجازات مالی متناسب با تخلف مالی باشد. بنابراین، در آخر ماده توافق طرفین بر خلاف را کان لم یکن شمرده است. این ماده در مورد تعهدات غیرپولی است، ولی در تعهدات پولی به منظور حفظ ارزش پول و تسهیل گردش آن، جریمه دیرکرد قانونی تعیین و در ماده ۶-۱۲۳۱ مقرر شده «خسارت و سود ناشی از تأخیر در پرداخت تعهد پولی مبلغی متشکل از سود با نرخ قانونی، از تاریخ اخطار رسمی است. این خسارت‌ها بدون آنکه متعهد ملزم به توجیه ضرر و زیان شود، ناشی می‌شود. طلبکاری که بدهکار

تکرار می‌شود. پس بنابراین، پس از چند سال شهروندان با مبالغ کلان بدهی مواجه می‌شوند که چندین برابر مبلغ وام اصلی است. درست مانند اشخاصی که در بازار به نزول خواری مشغول هستند؛ چرا که عملکرد بانک به گونه‌ای شکل گرفته که بانک و مشتری به تفاهمی رسیده‌اند که هرچه مدت در پرداخت بدهی تأخیر ایجاد شود، مشکلی پیش نخواهد آمد به جز آنکه مشتری باید مبلغ بیشتری در برابر مدت تأخیر بپردازد و این نوع عمل بانک‌ها منجر به نوعی ربا می‌شود که به ربای جاهلی معروف است که در زمان جاهلیت و قبل از ظهور اسلام بین اعراب این شیوه رایج بوده است و به نظر علمای شیعی ربای جاهلی زیاده گرفتن در قرارداد قرض بوده، اعم از اینکه در ازای تمديد و تأخیر مدت بازپرداخت بدهی باشد و یا در ابتدای قرض شرط شده باشد، اما به نظر علمای اهل سنت ربای جاهلی فقط برای تمديد سررسید پرداخت بدهی بوده است. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۸۵؛ مصباحی‌مقدم و احمدوند، ۱۳۸۸: ۶۷) چون در میان اعراب جاهلیت مرسوم بود که وقتی کسی طلبی داشت و موعد آن فرا می‌رسید به بدهکار می‌گفت بدهی خود را تصفیه می‌کنی و می‌پردازی یا تمديد می‌کنی و به مبلغ آن می‌افزایی (تعطی اوتربی) (جواهری، ۱۴۰۵: ۱۴) اگر فرد متمکن بود، پرداخت می‌نمود و چنانچه معسر و ناتوان بود، مهلت می‌خواست و بر مبلغ قرض می‌افزود. بنابراین، بعضی ربای رایج در جاهلیت را قرض مشروط به زیادی دانسته و تأکید دارند که همین نوع ربا در بازار و بانک‌های امروزی متداول است. (مراغی، ۱۹۸۵: ۵۵) در پیش‌نویس طرح قانون بانکداری اسلامی که توسط مجلس تهیه شده، برای حل مشکل جریمه تأخیر تأدیه در ماده ۸۹ پیشنهاد شده که مبلغ جریمه توسط بانک از گیرنده تسهیلات دریافت و به حساب ویژه‌ای نزد بانک مرکزی واریز می‌شود و بانک مرکزی نیز به‌منظور حفظ منافع سپرده‌گذاران به‌عنوان درآمد مشاع به بانک برمی‌گرداند.

(rc.majlis.ir/fa/legal-draft-/show/983611)

این طرح نیز نمی‌تواند مشکل را حل کند، چون در پیش‌نویس طرح جدید عملیات صوری واریز جریمه ابتدا به بانک مرکزی و سپس برگرداندن آن به بانک موردنظر پیش‌بینی شده و به نظر می‌رسد اهمیتی در جهت برخورد با مشکل به‌صورت واقعی وجود نداشته و فقط از لحاظ شکلی سعی شده تا جلوی منتقدین گرفته شود.

نکته دیگری که در خصوص جریمه تأخیر تأدیه وجود دارد، عدم وجود تفاوت بین شهروندان معسر و متمکن از سوی بانک است، بانک هیچ فرقی بین مشتریان معسر و مشتریان ملی

در سررسید تسهیلات اعطایی، به‌رغم تصریح شورای محترم نگهبان بر ربوی بودن جریمه دیرکرد در موارد مشابه، پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی در قالب شرط ضمن عقد با اندک تغییر توسط آن شورای نگهبان مشروع اعلام شد.<sup>۱</sup>

هرچند در توجیه مشروعیت جریمه دیرکرد بعضی معتقدند چنانچه دیرکرد بر مبنای وجه التزام باشد جایز است مشروط به آنکه بانک از آن تنها در جهت الزام مشتری به ادای به‌موقع بدهی استفاده کند و به این مسئله به‌عنوان جریمه شخص متخلف نظر داشته باشد نه اینکه بخواهد با دریافت مبلغ اضافه‌تر به مشتری مهلت دهد (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹: ۱۸۳)، اما در عمل بانک‌ها از جریمه دیرکرد برای استفاده از کسب درآمد گزاف استفاده کرده، درحالی‌که اگر هدف وادار کردن به پرداخت باشد، می‌توان از گزینه‌های دیگر مانند برداشت از حساب ضامن موضوع دیرکرد را منتفی نمود. بنابراین، بسیاری از فقها به استناد ربوی بودن شرط با آن مخالفت کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۱۶۳؛ موسویان، ۱۳۸۹) و حتی بعضی ربا را به دو نوع، ربا النساء و ربا الفضل تقسیم کرده که جریمه دیرکرد را مصداقی از ربا النساء شمرده‌اند. (کاشف‌الغطاء: ۴۸ به بعد) فلسفه حرمت جریمه دیرکرد در این است که باعث می‌شود بانک‌ها با دریافت این مبلغ به گیرندگان تسهیلات اجازه دهند که بازپرداخت اقساط تسهیلات خود را به تعویق بیندازند و در مقابل بدهی خود را همراه با مبلغی اضافه‌تر در تاریخی دیرتر از موعد مقرر پرداخت کنند؛ به‌خصوص که این امر به رویه عادی در سیستم بانکداری تبدیل شده و در سررسید وام که به‌صورت تسهیلات داده‌شده، قرارداد جدیدی منعقد می‌شود و با افزایش سود منظور و جریمه دیرکرد و اصل وام، دوباره وام جدیدی با سررسید معین داده‌شده و همین امر

۱. پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و پاسخ شورای نگهبان: «در صورت عدم تسویه کامل بدهی ناشی از قرارداد تا سررسید مقرر، به علت تأخیر در تأدیه‌های بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تسویه کامل بدهی، مبلغی به ذمه امضاکننده این قرارداد تعلق خواهد گرفت. از این رو وام یا اعتبار گیرنده با امضای این قرارداد ملزم و متعهد می‌شود تا زمان تسویه کامل بدهی ناشی از این قرارداد علاوه بر بدهی تأدیه نشده مبلغی معادل ۱۲ درصد مانده بدهی برای هر سال به بدهی مذکور بر حسب قرار داد به بانک پرداخت نماید». شورای نگهبان در اظهار نظر شماره ۷۷۴۲ مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۱ درج بند پیشنهادی در قرارداد را مشروط به اصلاح عبارت «تسویه کامل بدهی» به عبارت «تسویه کامل اصل بدهی» فاقد اشکال دانست.

و فقط با استفاده ابزاری از عقود حقوق اسلامی ظاهر عملیات بانکی را مشروع و مطابق موازین شرع وانمود کرده‌اند. این امر نه تنها بهره را حذف نکرد بلکه از طرفی موجب عدم شفافیت در گردش پول و از طرف دیگر موجب از بین رفتن قبح بهره‌خواری شد.

ثانیاً در عملیاتی کردن قانون، آیین‌نامه طوری یک‌جانبه تدوین شد که از طرفی بی‌عدالتی در روابط بانک و مشتری حاکم و از طرف دیگر، به منافع مشتری اجحاف شد که این اشخاص یا فعال اقتصادی هستند که این فشار اقتصادی را به سایر اشخاص جامعه از طریق افزایش بهای محصول و خدمات انتقال می‌دهند یا اشخاص غیرفعال هستند که اجحاف به آنان موجب بروز قشر فقیر و نیازمند به حمایت می‌شود در حالی که مطابق موازین حقوق اسلامی باید سیاست‌های کلی طوری تدوین شود که اشخاص خودکفایی کسب کنند تا از عزت اسلامی بهرمنند باشند.

ثالثاً رویکرد جریمه‌انگاری نه تنها موجب افزایش بهره-خواری یا به تعبیر قرآن ربای مضاعف شد، بلکه جریان گردش پول را مختل کرد؛ چون در عمل بانک‌ها تأخیر مشتری و مطالبه جریمه را بر پرداخت به موقع ترجیح دادند. بنابراین، معوقات مطالبات بانکی به عنوان معضل بزرگ بانکی محقق شد و اسامی بدهکاران بانکی به عنوان ابزاری شد تا جناح‌های سیاسی از آن استفاده سیاسی کنند، ولی در عمل نه تنها استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور که در بند ۱ قانون تعریف شده، محقق نگردید، بلکه باعث شد به طور کلی سیستم بانکی از موازین حقوق اسلامی بیشتر فاصله بگیرد.

### منابع

- آهنگران، محمدرسول؛ ملاکریمی، فرشته (۱۳۹۰). «بررسی فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، شماره ۴۰.
- ابن قدامه (۱۹۶۸ م). *المغنی*. مصر: مکتبه القاهره. ج ۴.
- القری بن عید، محمدعلی (۱۳۸۴). «مشکلات بانک‌های اسلامی و راه‌حل آنها». ترجمه مصباحی‌مقدم، غلامرضا. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال پنجم.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ ق). *کتاب المکاسب*. قم: چاپ اول.
- باریکلو، علیرضا (۱۳۸۲). «ضمانت اجرای حقوقی سوء استفاده

متخلف نگذاشته و از همه به‌صورت یکسان جریمه اخذ می‌کند، درحالی‌که چنان‌که در قرآن قید شده و فقها هم بدان تأکید داشته‌اند، باید به فرد معسر حتی در خصوص اصل بدهی هم مهلت داد چه رسد به اینکه وی را به دلیل نپرداختن تسهیلات در موعد مقرر جریمه هم نمود. «وان کان ذو عسره فنظره الی میسره». [بقره: ۲، ۲۸۰] بنابراین، در بانکداری اسلامی که دغدغه اصلی آن بر پرداخت طلب در سررسید است، می‌توان از طریق اعتماد به شهروند و در صورت اعسار نیز استفاده از پرداخت یا برداشت از حساب مشتری یا ضامن او به نمایندگی، موضوع دیرکرد در پرداخت را حل کرد. در مواردی نیز که مدیون معسر نبوده و توانایی پرداخت را دارد، ولی اهمال می‌نماید، مشکل مطالبات از مدیون غیر معسر و راهکار جایگزین در قبال جریمه دیرکرد، بحث حقوقی فقهی روز است و پیشنهادهای متعددی ارائه شده که از جمله تعزیر و مجازات افراد خاطی و جریمه مدیون غیر معسر به نفع دولت را می‌توان نام برد، البته چنین طرح‌هایی نه‌تنها حقوق شهروندان را حفظ نمی‌کند، بلکه بستر حقوقی سوءاستفاده بانک از نقض حقوق شهروندان را فراهم می‌نماید، همچنین اگر جریمه دیرکرد تنها راه آسان وصول مطالبات بانکی است، حداقل باید اعمال جریمه دیرکرد به قاضی واگذار شود تا از سویی بانک‌ها اقدام به مطالبه طلب و مشتری نیز اقدام به پرداخت آن کند و از سوی دیگر، قاضی با توجه به وضعیت مدیون تصمیم‌گیری کند همان‌گونه که در ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی در مورد جریمه دیرکرد دیون پولی چنین مقرر شده است و این عمل می‌توانست تا حدودی از یک‌جانبه‌گرایی بانک‌ها ممانعت کند.

### بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هرچند مشکلات سیستم پولی کشور را نمی‌توان صرفاً در عملکرد سیستم بانکی بدون ربا خلاصه کرد، چون در این حوزه مشکل اصلی ثبات ارزش پول است که دولت به عنوان متصدی امور پول و بانک‌ها به عنوان گردانندگان چرخش پولی در خلق پول و بروز مشلات پولی دخالت داشته‌اند، اما در این مقاله به طور محدود عملکرد سیستم بانکداری بدون ربا، مطابق موازین حقوق اسلامی بررسی و ثابت شد که گرچه در بند ۱ ماده ۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا هدف اصلی تحقق عدل و حق مطابق موازین اسلامی تعریف شده است، ولی در عمل بانکداری ربوی بهتر از بانکداری بدون ربا از حیث شفافیت و جریان خلق پول عمل کرده است. چون در این سیستم اولاً ساختار بانکداری ربوی تغییری نکرد

- از وضعیت اضطراری طرف قرارداد». *اندیشه‌های حقوقی*، سال اول، شماره ۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). *اموال و حقوق مالی*. تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴). *حقوق قراردادها؛ عقود معین (۱)*. تهران: میزان. ص ۲۹۳.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۴). *الحدائق الناضرة فی احکام العتره الطاهره*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. ج ۲۰.
- بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۹ ه ق). *الرسائل الفقهیه*. قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی. چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۵). *دائرةالمعارف حقوق مدنی و تجارت*. جلد ۱.
- جواهری، حسن محمدتقی (۱۴۰۵ ق). *الربا فقهیا و اقتصادیا*. قم: مطبعة النخيام.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۱۶). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی عاملی، سیدجواد بن محمد (۱۳۹۱). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. جلد ۵.
- حقیقی، محمدحسن (۱۳۹۱). *تحلیل صوری‌سازی قراردادها در عملیات بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران*، مطالعه موردی بانک‌های دولتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه امام صادق (ع).
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۹). *تحریرالوسیله*. قم: دارالعلم.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۷). *مصباح الفقاهه*. قم: مکتبه الداوری.
- شهنازی، روح‌الله؛ پناهی، مجتبی (۱۳۹۵). «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی». *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، شماره شانزدهم، صص ۲۰۲-۱۷۵.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۹۷۸ م / ۱۳۵۷ ه ش). *البنک اللاربوی فی الاسلام*، طروحه للتعوین عن الربا. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- طباطبائی، محمدحسین (بی تا). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. قم: انتشارات دارالفکر. ۴۰ جلدی.
- عاملی، زین‌الدین علی (شهید ثانی) (۱۳۷۶). *مسالك الافهام*. قم: مکتبه بصیرتی.
- عبدی‌پور، ابراهیم (۱۳۷۶). *بررسی تطبیقی مفهوم اضطرار و آثار آن در حقوق مدنی*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. چاپ اول.
- فیاض، محمداسحاق (۱۳۹۲). *بانک از نگاه اسلام*. ترجمه محمدجواد برهانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*. تهران: انتشارات با همکاری بهمن برنا. جلد اول.
- کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ه ق). *الکافی (ط - الإسلامیة)*. ۸ جلد. تهران: دارالکتب الإسلامیه. چاپ چهارم.
- مراغی، احمدمصطفی (۱۹۸۵). *تفسیر المرآة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۷۳). *مجموعه مقالات پنجمین سمینار بانکداری اسلامی*.
- مصباحی مقدم، غلامرضا؛ احمدوند، خلیل‌الله (بهار و تابستان ۱۳۸۸). «ابعاد شناخت ربای جاهلی». *دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دوم.
- مصباحی مقدم، غلامرضا (بهار ۱۳۹۷). «چالش‌های بانکداری بدون ربا». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، سال هجدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا. جلد ۲۰.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۸). *تربیت فرزند از نظر اسلام*. قم: انتشارات ام ابیها.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). *ربا و بانکداری اسلامی*. قم: ناشر چاپی علی ابن ابی طالب (ع).
- مجلسی دوم، محمد باقر بن محمدتقی (۱۳۸۸). *بحارالأنوار لجامعه الدرر اخبار الاثمه الاطهار*. انتشارات نوروحی. دوره ۱۱۰ جلدی.
- منتظری، حسین علی (۱۴۱۵ ه ق). *دراسات فی المکاسب المحرمه*. ۳ جلد، قم: نشر تفکر. چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۷۹). «مبحث ربا». *فصلنامه متین*، شماره ۸.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۷۹). *بانکداری بدون ربا از نظریه تا عمل*. مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه و معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *جریمه تأخیر تادیه (فتاوی مراجع تقلید، قوانین بانکی، مقالات علمی)*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- نجفی، کاشف الغطاء، عباس بن علی (بی تا). *المعاملات المصرقیه*. یک جلد. نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. فی شرح شرائع

هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۶). «بانکداری اسلامی». مجله تحقیقات اسلامی، شماره ۱ و ۲، سال دوازدهم. /آرای-[www.khabaronline.ir/news/523983](http://www.khabaronline.ir/news/523983) /آرای-فقهی-آیت-الله-جوادی-آملی-در-باب-نظام-بانکداری-اسلامی

الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی. جلد ۲۳. نجفی خوانساری، شیخ موسی (۱۳۷۳). منیه الطالب فی حاشیه المکاسب. قم: چاپخانه محمدیه. نراقی، ملا احمد (۱۳۷۵). معراج السعاده. انتشارات مطبوعاتی حسینی. ص ۳۱۳.

#### COPYRIGHTS



© 2022 by the Authors. Licenses PNU, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY4.0) (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>)